

در طول سال ۲۰۰۷ بیش از ۱۷۰ هزار

کارگر سوئدی صفوف اتحادیه های کارگری را ترک کردند

ملک پیرخضری

اول بهمن ماه هشتاد و شش

AKTUEL نشریه ای است که به طور ماهانه از اتحادیه سراسری کارگران نروژ منتشر می شود. این نشریه در آخرین شماره خود مصاحبه ای با آقای لیف هوکانسون فرد شماره ۳ اتحادیه سراسری کارگران سوئد، در رابطه با علت خروج کارگران از اتحادیه های کارگری این کشور انجام داده است. آقای هوکانسون مهمترین دلایل استعفای کارگران از عضویت در اتحادیه های کارگری را اوضاع سیاسی سوئد، چرخش به راست این جامعه !! و تغییراتی در سیستم بیمه بیکاری (Arbetslöshetsersättning) دانسته است. او میگوید وضعیت اتحادیه های کارگری در شهرهای بزرگ مانند استهلم، یوتوبورگ و مالمو در این سال فاجعه بار بوده است و روزانه دهها کارگر در این شهرها به دفاتر اتحادیه ها زنگ زده اند و خواهان استعفا از عضویت در اتحادیه ها گردیده اند.

اسامی اتحادیه هایی که در طول سال گذشته در سوئد اعضایشان را از دست داده اند به ترتیب به شرح زیر هستند.

HRF	۱۷،۹۹ درصد
LIVS	۱۰،۶۱ درصد
TRANSPORT	۹،۳۹ درصد
HANDELS	۹ درصد
GRAFISKA	۸ درصد
FASTIGHETS	۸ درصد
BYGGNAD	۷ درصد
SEKO	۶ درصد
KOMUNALL	نزدیک ۶ درصد
IF METALL	نزدیک ۶ درصد

Leif Håkansson میگوید اگر به طور جدی به فکر وضعیت کارگران نباشیم، بیم آن می رود که سناریو اواسط دهه هفتاد انگلستان در سوئد تکرار شود. به گفته هوکانسون از اواسط دهه هفتاد تا سال ۲۰۰۵ بیش از ۵۰ درصد از کارگران انگلیسی صفوف اتحادیه های آن کشور را ترک کرده اند. او در پایان مصاحبه خطاب به مسئولین جنبش اتحادیه ای در کشورهای سوئد، فنلاند، دانمارک و بلژیک که تقریباً یک نوع سیستم بیمه بیکاری را دارند، میگوید به فکر راه حل جدیدی باشید. سیستم بیمه بیکاری کنونی جوابگوی نیاز کارگران نیست. من به دلیل بالا بودن سن و سالم در کنگره اتحادیه سراسری کارگران که در ماه مه برگزار خواهد شد از پذیرش مسئولیت در این اتحادیه خودداری

خواهم کرد. آقای Leif Håkansson از چرخش به راست جامعه سخن می گوید و معلوم نیست که منظور وی از جامعه چه چیز هست. او ظاهراً در مقام عضو بلند پایه و صاحب قدرت اتحادیه سراسری و در پرتو نوع نگاه مسلط بر سازمان خویش جامعه را متشکل از طبقات نمی داند. بر این باور نیست که در این جامعه دو طبقه متخاصم و متضاد رویاروی هم قرار دارند. از گردش به راست جامعه حرف می زند و در این میان تعرض توحش بار طبقه سرمایه دار علیه توده های کارگر را یکراست لاپوشانی می کند. از چرخش به راست جامعه سخن می راند و نقش سوسیال دموکراسی را در برنامه ریزی تعرض بشرستیز سرمایه علیه معیشت کارگران سخت استنار می کند. او چرخش به راست جامعه را طرح می کند و نقش بسیار آشکار اتحادیه سراسری کارگران سوند و نقس بارز خود به عنوان عضو عالی مقام این اتحادیه در کمک به سلاخی معیشت کارگران توسط نظام سرمایه داری را از انظار مخفی می سازد.

آقای Leif Håkansson از کاهش بیمه بیکاری کارگران حرف می زند اما کلامی بر زبان نمی راند که چرا اتحادیه تحت فرمان وی در مقابل این جنایت بورژوازی سکوت کرده است و هیچ نمی گوید که چرا حزب سوسیال دموکرات متبوع او در برابر چنین توحشی لام تا کاف صامت مانده است. ایشان استعفای ۱۷۰۰۰۰ کارگری سوندی از LO را اعتراف می کند اما کلامی نمی گوید که LO در خاموش ساختن آتشفشان اعتراض کارگران علیه سرمایه داری چه نقش اساسی بازی کرده است. Håkansson حاضر به گفتن کلامی در این راستا نیست که اتحادیه اش چگونه در طول چندین دهه با آویختن کل جنبش کارگری به دار سازش و مماشات با نظام بردگی مزدی روحیه و فکر تعرض علیه جنایات روز سرمایه داری را در آنها خفه ساخته است.

Leif Håkansson و سران اتحادیه و حزب سوسیال دموکرات سوند در این گذر سکوت می کنند زیرا خود آنها یک عامل اساسی تحمیل این وضعیت بر طبقه کارگر سوند بوده و هستند. آنها طبیعی است که چنان کنند و چنین سکوت کنند اما کارگر سوندی هم باید بیاموزد که چه کند؟ آیا صرف خروج از LO درد او و طبقه او را دوا خواهد کرد؟ معلوم است که باید بالاخره از LO خارج شود اما سؤال اساسی پیش پای او این است که می خواهد چه راهی را در پیش گیرد؟ فکر متشکل بودن را از سر خود به در کند؟؟!!! این فاجعه ای عظیم است. آیا راه دیگری برای متشکل شدن و اعمال قدرت متحد طبقاتی علیه سرمایه داران و کل نظام بشرستیز سرمایه داری ندارد؟؟ مسلماً دارد. اما آنچه در لحظه حاضر برای او اساسی است این است که دست همه همزنجیران معترض خود به توحش بورژوازی را فشار دهد. با آنها به گفتگو پردازد. برای این گفتگو و برای چاره اندیشی متحد، برای سازمان دادن همزمی و اعتراض یکپارچه هیچ دقیقه ای غفلت نکند و از هیچ تلاشی دریغ نوزد. در تار و پود این تلاش و این گفتگو و این همفکری ماهیت سازشکار ضد کارگری رفرمیسم راست اتحادیه ای را هر چه بیشتر تعمق کنند. نقش ارتجاعی سوسیال دموکراسی در ماندگار سازی بردگی مزدی و تحمیل بربریت سرمایه داری بر کارگران دنیا را هر چه بیشتر بازشناسی کنند. کارگر سوندی و کل کارگران سوند باید در همین راستا برای نوعی جدیدی از سازمانیابی، برای سازمانیابی شورائی ضد سرمایه و سرمایه داری با هم همراه و همدستان شوند.

در طول ماهها و سالهای آینده پروسه خروج از LO و کل اتحادیه های کارگری چه در سوند، چه در تمامی اتحادیه اروپا و چه در سرتاسر جهان به طور قطع توسعه خواهد یافت. اتحادیه ها در شرائط موجود آلت دست سرمایه جهانی

برای تحمیل تمامی برنامه ریزی های نئولیبرالی بر طبقه کارگرنند. توده کارگر خلع سلاح شده توسط اتحادیه ها اینک به گاه مواجهه با این وضعیت طبیعتاً بسیار سر درگم است اما راه چاره چندان مبهم نیست. روزی سوسیال دموکراسی و رفرمیسم راست اتحادیه ای موفق شدند جنبش ضد سرمایه داری کارگران را در گورستان جنبش اتحادیه ای دفن کند. اینک نوبت کارگران است که اتحادیه های سرمایه سالار، سوسیال دموکراسی و همه رفرمیسم راست و چپ را در زیر چرخ جنبش ضد سرمایه داری و کار مزدی و سوسیالیستی خود له سازند.

Leif Håkansson بنا به گفته خویش به خاطر سن و سال زیادش در کنگره آتی LO شرکت نمی کند. او به احتمال هر چه زودتر با حقوق ماهانه بسیار کلان خویش و با ثروت سرشاری که در طول سالیان دراز بالانشینی LO از محل انعقاد Fallskärmtal ها (قرارداد چتر نجات) با سرمایه داران و نوع این کارها اندوخته است مابقی عمر را همسان آنچه پشت سر نهاده است در بهترین مناطق دنیا با عیش و خرمی پشت سر خواهد نهاد. او با کسب سهم خود از استنمار بیکران توده های کارگر به عنوان فردی از سران اتحادیه کارگری، در همکاری و مماشات استراتژیک با نظام سرمایه داری بسیار مرفه و شاد و با نشاط خواهد زیست. او برنده شده است. بازنده توده وسیع کارگری است که زیر فشار تعرض وحشیانه سرمایه و در پرتو همدستی تاریخی اتحادیه کارگری منحل در ملزومات سودآوری عظیم سرمایه ها و ماندگاری نظام بردگی مزدی اینک حتی بیمه بیکاری خویش را نیز از دست داده است. مدرسه بچه اش به صورت وحشتناکی آماج سلاخی ها است. تخت های بیمارستانش نصف شده است و شمار پرستاران و پزشکانش ۳۰٪ کاهش یافته است. تا اینجا نظام سرمایه داری، اتحادیه کارگری، سوسیال دموکراسی و امثال آقای Leif Håkansson برنده اند و کارگران سوئدی بازنده شده اند. از این به بعد است که ساختار همه این برد و باخت ها باید از بیخ و بن زیر و رو شود.

ملک پیرخضری

۲۰ ژانویه ۲۰۰۸

سایت آبیدر